



به‌همینه حدادی / عکاس: مریم فرحی

برای طرح سؤالات و دغدغه‌هایی که در نشست‌های معلمان، والدین و دانش‌آموزان درباره ارزشیابی توصیفی مطرح شده بود، به دفتر دکتر عبدالرسول عمادی، رئیس مرکز سنجش وزارت آموزش و پرورش، رفتیم تا پرسش‌هایمان را با یک مقام مسئول در میان بگذاریم.

وقتی قرار است من به راندگی کسی نمره بدهم، باید خودم راننده خوبی باشم، جزئیات کار را بدانم و بتوانم اشکالات را بگویم. اما الان معلم در توصیف معیارها می‌ماند. آموزش او برعهده افرادی نیست که در سنجش مشغول کارند، بلکه برعهده کسانی است که باید آموزش دادن را به او بیاموزند. من اگر راننده خوبی هستم، برای این نیست که افسر راهنمایی و راندگی مرا خوب ارزیابی کرده، بلکه من به خاطر معلمی که راندگی درست را به من آموخته است متبحر شده‌ام. بنابراین، فکر می‌کنم وقتی معلم‌ها می‌گویند ما مشکل داریم، مشکل آن‌ها ارزشیابی توصیفی نیست، بلکه نوع آموزش است. پیش‌تر طرحی در مرکز مطالعات داشتیم با عنوان مهندسی معکوس. براساس این طرح، ابتدا باید هدف آموزش مشخص می‌شد. پس از آن، هدف برای آموزگار ارزشمند می‌شد و بعد از آن هم به این فکر می‌افتاد که حالا چطور ارزیابی را آغاز کند و براساس آن چطور درس بدهد تا به هدف برسد. به‌نظر من فرایند آموزش دچار چاله‌های زیادی است. ما نمی‌گوییم معلم از ارزشیابی مدادکاغذی استفاده کند، اما خود اوست که باید بفهمد هدفش از این امتحان چیست. او وقتی می‌خواهد هدف و آموزش را با هم هماهنگ کند، دچار مشکل می‌شود. حال دوست داریم با این شرح مختصر به‌سراغ صحبت‌های شما برویم.

حشمتی اگر بخواهم نظرات نشست معلمان را جمع‌بندی کنم، باید بگویم همه معلمان این نظام ارزشیابی را قبول دارند و گفته‌اند ما باید از نظام ارزشیابی قبلی فاصله می‌گرفتیم. با این حال، مشکل آن‌ها این است که هنوز به‌طور کامل توجه نشده‌اند؛ نه خود آن‌ها، نه والدین و نه حتی بچه‌ها. از طرف دیگر، بد نیست به نگاه والدین هم اشاره‌ای داشته باشم. آن‌ها می‌دانند که معلم چه زحمتی را متقبل شده‌اند و از کم شدن اضطراب فرزندانشان و بالا رفتن اعتمادبه‌نفس آن‌ها خوشنودند. با این حال، بی‌اطلاعی از سطح دانش و آموخته‌های فرزندان و نیز ملاک‌های ارزشیابی معلمان، برایشان آزاردهنده است. آن‌ها از یک‌طرف از کم شدن رقابت در یادگیری گلایه داشتند و از طرفی معتقد بودند با زیاد شدن موارد در سطح‌بندی بچه‌ها، می‌توان به این مشکل غلبه کرد. می‌گفتند اگر اسم این نظام ارزشیابی توصیفی است، این توصیف‌ها باید در کارنامه‌ها گنجانده شود. آن‌ها گله‌مند بودند که مدارس برای آن‌ها جلسات توجیهی برگزار نکرده‌اند. با این حال، نگرانی عمده مادران گذر فرزندانشان از این نظام و ورود دوباره به نظام ارزشیابی نمره‌ای است.

رستگار به‌نظر من مسئله عمیق‌تر از آن است که ما می‌بینیم. هدف آموزش و پرورش در واقع بهبود کیفیت آموزش است. به‌طور مثال،

نگرانی عمده مادران گذر فرزندانشان از این نظام و ورود دوباره به نظام ارزشیابی نمره‌ای است



دکتر عمادی من سال‌ها معلم فیزیک بوده‌ام.

همیشه هم مسئله ارزشیابی برایم مهم بود. در ابتدا فکر می‌کردم خودم خوب درس می‌دهم، اما بعد متوجه شدم که باید بدانم طرف مقابل هم راضی است یا نه! پس لازم بود پل ارتباطی میان خودم و دانش‌آموزان بزنم و این پل «ارزشیابی» بود. نگاه بچه‌ها و امتحان و سؤال می‌توانست جواب سؤال را بدهد. همان‌طور که معلمان گفته‌اند، در مورد ارزشیابی توصیفی کسی از آن‌ها نپرسید نیاز آموزشی‌شان چیست! بنابراین، حالا کاملاً می‌فهمم وقتی معلم به سر کلاس می‌رود، نیاز آموزشی او سنجیده نشده است. اما این نیاز صرفاً با گذاشتن دوره آموزشی رفع نمی‌شود. ابتدا باید نیاز شناخته شود تا چگونگی رفع آن معلوم شود. یکی از مشکلات شخصی خود من این بود که ارزشیابی را چطور باید انجام داد؟ آیا به همان شیوه سنتی و قدیمی یا به شیوه‌ای جدید!

در دوره‌ای که من معلم بودم، می‌دانستم ارزشیابی روح آموزش است و اگر بچه را نشناسیم، شناختن را بیشتر نکنیم، نیازهای او را نشناسیم و ندانیم چقدر از آن‌ها را برطرف کرده‌ایم، شکست خورده‌ایم. و در پی آن، درس‌ها سخت و ناگوار و تلخ می‌شوند. در حالی که آموختنی‌ها شیرین‌اند و این ما هستیم که نحوه ارزشیابی را نمی‌دانیم. زمانی که من وارد این شغل مدیریتی شدم، به مشکل موجود و اینکه نقطه عزیمت ما کجاست فکر کردم.

اخيراً که در وزارت آقای دکتر علی اصغر فانی رئیس مرکز سنجش شده‌ام، راهبردی که ما از همان ابتدا خواستارش بودیم، یعنی «بهبود و یکپارچه‌سازی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی»، هنوز هم امکان اجرا ندارد، چون نمی‌توان در ساختار وزارتخانه دست برد. به‌نظر من این ساختار گسترده و غیرقابل توجیهی است؛ اما همچنان معتقدم این تحولات باید صورت بگیرد. بنابراین، ما خواستیم بخش‌های مختلف یکپارچه‌سازی پیشرفت تحصیلی را به مرکز سنجش بسپارند تا یک سازمان محور وجود داشته باشد. اداره کل امتحانات به مرکز سنجش تبدیل شد. یعنی ارتقا پیدا کرد و از حوزه متوسطه خارج شد. اما مأموریتش هنوز یکپارچه نشده است. پس حوزه توصیفی و غیرتوصیفی همه باید زیر نظر ما باشد. در حالی که اکنون ارزشیابی توصیفی دست حوزه ابتدایی است. این از مشکلات ساختاری ماست.

اگر ما سیاست‌گذاری واحدی داشته باشیم، همه بخش‌ها می‌توانند در کنار ما و همراه ما باشند. اما ابتدا باید یکپارچه‌سازی صورت بگیرد. ارزشیابی توصیفی فرآیندی است که باید در جان

و روح یادگیری جاری شود. از آنجا که ما بدون گرفتن بازخورد نمی‌توانیم آموزش دهیم، این نوع ارزشیابی از ابتدا با همین هدف شکل گرفت که ما در امتحان پایانی محصور نباشیم و فرایند ارزشیابی توصیفی در دوره آموزش صورت گیرد، اما متأسفانه فهم درستی از آن منتقل نشد.

رستگار کتابی به‌عنوان «سنجش مستمر» وجود دارد که این فهم درباره آن هم صورت نگرفته است. قضیه این است که حالا از من توصیف می‌خواهند؛ در حالی که من رانندگی بلد نباشم، نمی‌توانم آن را یاد هم بدهم.

دکتر عمادی این در حالی است که حتی آیین‌نامه‌ای هم تنظیم نشده و این قضیه را مشکل کرده است. ارزشیابی توصیفی تعریف روشنی نداشت و چون مسئله ابهام داشت، برداشته‌های مختلفی از آن شد. به همین دلیل، خیلی متفاوت به موضوع نگاه شد. اصل قضیه این بود که ارزشیابی را در کل فرایند آموزش ساری و جاری کنیم. اصل این طرح گامی رو به جلو بود. معلمان هم با وجود کمبود شدید آموزش تلاش کردند با این فرایند هم‌راستا شوند. اما مشکل مشخص نبودن ابعاد بود و ابهام آن؛ ارزشیابی توصیفی تنها در ارائه بازخورد توصیفی است و در حین اجرای فرایند یاددهی یادگیری، از هرگونه ابزار و آزمون برای ارزشیابی می‌توان استفاده کرد، از جمله آزمون‌های مداد کاغذی.

رستگار هیچ‌جا هم به معلمان چنین چیزی گفته نشده است.

دکتر عمادی چون اصل موضوع گفته نشد، معلمان خودشان به حذف نمره دست زدند، و لذا بچه‌ها حق دارند بپرسند که ما در چه جایگاهی هستیم. بنابراین، این ابهام و اشکال از ابتدا وجود داشت و هنوز هم وجود دارد، چون سیاست‌گذار واحدی نداشته‌ایم.

رستگار به هر حال شما در جایگاهی هستید که باید پاسخ دهید. حالا قرار است چه کار کنید و قرار است برای هفتمی‌ها چه اتفاقی بیفتد؟ من خوش‌بین هستم که معلم آگاه، از قید نمره‌ها می‌شود و می‌تواند فعالیت مفید داشته باشد.

دکتر عمادی بله، در صورتی که یکپارچه‌سازی صورت بگیرد و ما مرجع واحدی باشیم این اتفاق می‌افتد. ما کار چندجانبه‌ای را در نظر داریم که یکی همکاری با دانشگاه فرهنگیان است. ما باید در موضوع ارزشیابی توصیفی به‌عنوان یک مهارت تلاش کنیم. با مرکز آموزش نیروی انسانی باید همکاری کرد و پس از نیازسنجی این آموزش‌ها را در برنامه گنجاند. یعنی هم آموزش قبل از خدمت و هم آموزش حین خدمت داشته باشیم و هم در

وقتی قرار است من به رانندگی کسی نمره بدهم، باید راننده خوبی باشم، جزئیات کار را بدانم و بتوانم اشکالات را بگویم. اما الان معلم در توصیف معیارهایی مانند آموزش او برعهده افرادی نیست که در سنجش مشغول کارند، بلکه برعهده کسانی است که باید آموزش دادن را به او بیاموزند

تهیه محتوا باید با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی همکاری کنیم. چرا که محتوا قرار است با نظام فرایندمحور تولید شود نه فرآورده‌محور. پس نیازمند تغییر است.

رستگار اینجا یک هم‌پوشانی دارد اتفاق می‌افتد. آموزش ضمن خدمت نمی‌تواند جدا از آموزش باشد و این دیگر در اختیار شما نیست که معلم از چه بازخوردی استفاده کند. کسی که فیزیک درس می‌دهد، هم‌زمان این را هم آموزش می‌دهد که ابزارها چیستند و بازخورد چگونه است؟ آیا می‌خواهید این دوره‌ها را جدا کنید؟

دکتر عمادی نه. شما در حال حاضر برای معلمان فیزیک دوره‌ای برگزار می‌کنید و کتاب را به آن‌ها نشان و آموزش می‌دهید. بعد به رویکرد می‌پردازید. اگر رویکرد توصیفی است، این رویکرد باید در آموزش وجود داشته باشد تا مربیان و استادان توجه باشند که این فرایند کجاست. تا این جای کار برعهده آموزش ابتدایی است. اینکه شما سؤال کردید که می‌خواهیم چه اقداماتی انجام دهیم می‌گوییم: اگر مسئولیت این کار به ما سپرده شود به‌عنوان مرکز سنجش این امر را چندجانبه نگاه خواهیم کرد. چون باید با همه حوزه‌ها تعامل کنیم؛ چرا که ارزشیابی در کلاس اتفاق می‌افتد و معلم مرکز آن است.

رستگار یعنی تا آن زمان معلم باید سردرگم بماند؟ من به این شیوه خوش بینم، اما چون معتقدم سخت‌کوش‌ترین معلمان، معلمان ابتدایی هستند و کار بسیار سختی برعهده آن‌ها گذاشته شده است. باید این بار را از روی دوش آن‌ها برداریم. به‌نظر من الان باید اقدامی صورت گیرد.

دکتر عمادی فکر می‌کنید ما باید چه کار کنیم؟

رستگار آموزش معلمان. **دکتر عمادی** بله. من هم جواب می‌دهم که الان با آموزش‌های ضمن خدمت، این امر محقق می‌شود.

رستگار این آموزش‌ها بر عهده چه کسی است؟

دکتر عمادی بر عهده مرکز آموزش نیروی انسانی وزارت خانه. و درخواست‌دهنده دوره‌های آموزشی در این مورد هم آموزش ابتدایی است. حالا پیشنهاد ما این است که این محوریت به مرکز سنجش واگذار شود.

رستگار یعنی شما خودتان نمی‌توانید درخواست‌دهنده این دوره‌ها باشید؟

دکتر عمادی خیر. تا به حال ما صرفاً متولی برگزاری امتحانات نهایی بوده‌ایم و تا زمانی که مرجع سیاست‌گذاری برای این قضیه تعیین نشود،

قادر به انجام کاری نیستیم.

رستگار برای کلاس هفتمی‌ها چه؟ آیا برای این دغدغه فکری شده است؟

دکتر عمادی من خود معتقدم استفاده از ابزارهای متنوع و ارائه بازخورد شفاف باید در هر دوازده سال اتفاق بیفتد. اما تا به حال، هر دو نظام نقص‌هایی داشته‌اند. برای رفع این نقص‌ها باید هر دو را تلفیق و در همه سنوات تحصیلی ساری و جاری کرد. شورای عالی آموزش و پرورش الان آماده است ایده‌ها را تصویب کند، اما مجاری تولید ایده متفاوت‌اند. بنابراین نظر یکپارچه‌ای از شورا اتخاذ نمی‌شود.

رستگار ما قبل از اینکه به معلم بگوییم چطور ارزشیابی کن، باید ابزارهای آموزشی را که در اختیار اوست و امتحان هم یکی از آن‌هاست به او بشناسانیم. من نمی‌دانم چرا امتحان حذف شده است؟

دکتر عمادی چون ما براساس عادت و سنت آموزش قدیم، نتیجه آخر کار را دریافت می‌کنیم. زمانی که ارزشیابی توصیفی را تعریف کردیم و خواستار توصیف شده‌ایم، نگفته‌ایم باید براساس ارزشیابی کمی باشد.

رستگار خوب، وقتی ابزارها معرفی شد، پوشه مشاهده، سنجش عملکردها و همه و همه آمده، اما از هیچ کدام استفاده نشده است؟

دکتر عمادی نه آموزش کافی داده شده و نه نظارت کافی صورت گرفته است. ما همیشه می‌گوییم آخرش را بگو. این یعنی کار به خوبی صورت نگرفت و بد جا افتاد. پس آموزش ضمن خدمت باید در اختیار این بخش از نیاز آموزگار باشد و ما باید در محتوا هم تغییر ایجاد کنیم. قبلاً آموزش به شیوه سخنرانی صورت می‌گرفت، اما حالا که تصمیم بر استفاده از ابزار است، کتاب هم باید به شیوه دیگری نوشته شود. اعتقاد من فعالیت مستمر است. متأسفانه اتفاقی که می‌افتد این است که فرایند تابع مدیران است، در حالی که مدیران باید تابع فرایند باشند. در انتها فکر می‌کنم متأسفانه این امر تفهیم نشده است و الان هم باید ربطی بین دو شیوه ایجاد کرد و ابزارهای کمی را در خدمت توصیف نهایی قرار داد.

رستگار شاید بهتر باشد نام ارزشیابی توصیفی برداشته شود و نام آن به بازخورد توصیفی تغییر کند.

دکتر عمادی البته.

رستگار اینکه ما بگوییم ارزشیابی بخشی توصیفی و بخشی کمی است، معنا ندارد. چون مدام گفته می‌شود معادل انگلیسی این نام چیست و چیزی برای آن یافت نمی‌شود. ما باید امیدوار باشیم شما کل فرایند این مسئله را در دست بگیرید.



ارزشیابی توصیفی فرایندی است که باید در جان و روح یادگیری جاری شود. از آنجا که ما بدون گرفتن بازخورد نمی‌توانیم آموزش دهیم، این نوع ارزشیابی از ابتدا با همین هدف شکل گرفت که ما در امتحان پایانی محصور نباشیم و فرایند ارزشیابی توصیفی در دوره آموزش صورت گیرد، اما متأسفانه فهم درستی از آن منتقل نشد